

Farsi: Runaway Teenager

(Preached by Cheryl Williams at FBC Dec 29th, 2024 - Luke :2:41-52)

وقتی حدوداً هفت ساله بودم، لباس‌ها و وسایل ضروری را در جعبه کوچک آبی مدرسه ام جمع کردم و رفتم و در ماشین نشستیم و منتظر ماندم تا پدرم مرا پیدا کند تا از او بخواهم که مرا به خانه مادربزرگم ببرد. فرار کردن او از بردن من امتناع کرد و من خیلی کوچکتر از آن بودم که بتوانم آنجا راه بروم، حدس می‌زنم او با من صحبت کرد و در نهایت به خانه برگشتم. سالها بعد او به من گفت که باید من را می‌برد (او فقط یک حومه آنطرفتر زندگی می‌کرد (زیرا می‌دانست که او بلافاصله مرا به خانه باز می‌گرداند. تا حالا فرار کردی؟ یادت هست چرا؟ یادت میاد بعدش چی شد؟ یا شاید شما گم شده اید یا از والدین خود جدا شده اید؟ چه حسی داشت؟ آیا می‌توانید تصور کنید که والدینتان چه احساسی داشته‌اند یا شاید شما ترس و وحشت را تجربه کرده اید که از یک کودک جدا شده اید، حتی اگر فقط برای یک یا دو دقیقه باشد. در داستان امروز ما می‌بینیم که عیسی در حال رشد است. ما در مورد عیسی پس از تولد بسیار اندک می‌دانیم (می‌دانیم که خانواده عیسی را در هشت روزگی در معبد حاضر می‌کنند و سپس به عنوان پناهنده به مصر می‌گریزند و قبل از بازگشت به خانه ناصره به خانه خود می‌روند (پس از آن چیزی در مورد او نمی‌شنویم تا اینکه او دوازده ساله است و هر سال برای عید فصح با خانواده اش به اورشلیم می‌رود) که در هر طرف حدود 145 کیلومتر است. (سفری که هر طرف چند روز طول می‌کشد. از داستان به نظر می‌رسد که آنها با دیگران به شهر و معبد سفر کردند. عیسی در حال بزرگ شدن است. ما می‌دانیم که بزرگ شدن هرگز آسان نیست. برای والدین، وقتی می‌بینند فرزندانشان استقلال خود را ابراز می‌کنند و کارها را به روش خودشان انجام می‌دهند، مملو از اضطراب است. هنگام تماشای خروج کودک از لانه، اضطراب ایجاد می‌شود یا گاهی اوقات نمی‌توانند خود را مجبور کنند تا رشته‌های پیش بند را برش دهند. شب‌های بی‌خوابی در انتظار باز شدن قفل درها هستند تا بدانند فرزندشان به سلامت در خانه است. وقتی آنها اعلام می‌کنند که دیگر نمی‌خواهند به تعطیلات خانوادگی بروند ناامید می‌شوند. تماشای آنها که بال‌هایشان را باز می‌کنند و بیرون می‌روند و دنیا را کاوش می‌کنند واقعاً دشوار است و بیشتر شما در اینجا چنین تجربه‌ای داشته‌اید. مهم نیست که چقدر می‌خواهید آنها بزرگ شوند و در زمان وقوع آن، شخص خودشان باشند، بسیار سخت است من شک ندارم که مریم و یوسف همان ترس و اضطرابی را داشتند که عیسی و برادرانش بزرگ شدند. کودکان هر چند نیاز دارند که هر چه بیشتر مستقل شوند و به شخص خودشان تبدیل شوند عیسی در حال بزرگ شدن است، در آستانه تبدیل شدن به یک مرد و در فرآیند کشف اینکه واقعاً کیست. در این سفر به اورشلیم، عیسی پشت سر می‌ماند و با خانواده برنمی‌گردد - او در معبد است و با معلمان صحبت می‌کند، سؤال می‌پرسد و شاید درگیر همه این‌ها شود و متوجه نشود که خانواده ترک کرده‌اند تا به خانه بروند.، یا شاید او این کار را انجام می‌دهد و فقط استقلال تازه یافته‌ای را انجام می‌دهد. واضح است که کمی اختلاط وجود دارد زیرا مریم و یوسف یک یا دو روز طول می‌کشد تا متوجه شوند عیسی با او نیست، شاید آنها فکر می‌کردند که او با خانواده یا دوستان در گروه است.

با ترس و شاید عصبانی و امیدوار بودند که او در امان باشد، کیلومترها عجله می‌کنند تا او را پیدا کنند. آنها همه جا را جستجو می‌کنند و در نهایت او را در معبد پیدا می‌کنند که با معلمان صحبت می‌کند. عصبانیت، هیستری، ترس آنها قابل درک است، آیا این اتفاقی برای ما می‌افتد که وقتی کودکی را در امان می‌یابیم در حالی که اینقدر نگران هستیم، واکنش ما پس از در آغوش گرفتن او

این است که به او بگوییم خوب - عشق اینگونه است. و به نظر می رسد نگرانی با هم مخلوط می شود. مریم و جوزف می خواهند بدانند که چرا او این کار را با آنها انجام داده است، این یک سؤال، کاملاً طبیعی است، اینطور نیست؟ بعد از همه چیزهایی که آنها او را دوست داشتند و پرورش دادند به او غذا دادند و از او مراقبت کردند، فقط باید بدانند کجاست و اینکه او در امان است. و آنها می توانستند بدون چند روز وحشت و نگرانی این کار را انجام دهند. اکنون پاسخ عیسی یک پاسخ معمولی نوجوان است، اگرچه احتمالاً مفیدترین راه برای پاسخ به والدینی که نگران بیمار هستند نیست. آیا مریم و یوسف باید می دانستند که او در معبد خواهد بود؟ پس از تمام شکست به ما گفته می شود که عیسی با مریم و یوسف به خانه باز می گردد، جایی که او مطیع بود، جایی که او هم از نظر جسمی، هم از نظر خرد و هم در نفع مردم رشد کرد. بدون شک مریم و یوسف به تربیت او ادامه دادند و راه های ایمان را به او آموختند و کم کم به او اجازه استقلال دادند. و بدون شک عیسی از این تجربه و تمام تجربیاتی که با خانواده و دوستانش در خانه در ناصره داشت آموخت عیسی، مانند هر کودک یا نوجوان دیگری، وظیفه درک جایگاه خاص خود را در این جهان کنجکاو و کنجکاو بر عهده دارد، هر روز با ترس و شادی (خود و دیگران) مواجه می شود، و تجربیات هر روز نشانه هایی برای احساس رو به رشد او از انسانیت است. و مریم تمام آنچه را که در آن سال ها اتفاق می افتد، از جمله این رویداد در عید فصح در اورشلیم، به یاد می آورد، می اندیشد و گنجینه می کند. این میزان کامل شناخت ما از عیسی در دوران کودکی و نوجوانی است، دفعه بعد که او را ملاقات می کنیم سی و چند ساله است. بنابراین، ما از عیسی نوجوان چه می آموزیم که او استقلال خود را به کار می گیرد. دانش خارق العاده او از مسائل اعتقادی، پرسش ها و درک او معلمانی را - که با آنها گفتگو می کرد، شگفت زده کرد. در اینجا می بینیم که عیسی در حال رشد چه خواهد شد کسی که چیزهای خدا را می فهمد و همه کسانی را که تعلیم او را می شنوند شگفت زده می کند (و گاهی ناراحت می کند). (در این داستان، عیسی اکنون برای خود ادعا می کند که آن رابطه خاص با خدا که معنای واقعی وقف او در کودکی بود. در این قسمت ما عیسی را در لباس عشق مریم و یوسف می یابیم که در عین حال در خرد رشد می کند. ما نگاهی اجمالی به این داریم که عیسی چه کسی خواهد شد و خدا او را به چه کسی می خواند. همانطور که در آستانه سال نو ایستاده ایم، دعا می کنیم که هم به صورت فردی و هم به عنوان یک جامعه کلیسا به یادگیری و رشد ایمان ادامه دهیم تا بتوانیم در وظیفه مقدس پرسش و تعجب شرکت کنیم، تا در مورد آن کنجکاو باشیم. خدا ما را به زندگی در این جهان فرا می خواند تا بتوانیم واقعاً درگیر زندگی بر اساس ایمان خود در جهان باشیم. بگذارید با شعری از اندرو کینگ به پایان برسیم. آگه دلمون برات تنگ شده اگر دلمان برای ترک جشنواره تنگ شده است ترک جشن ها و خاطرات ترک جشن ها و سنت ها ترک نماز و آواز؛ اگر دلمان برای ترک جشنواره تنگ شد بازگشت به استرس ها و فشارها بازگشت به خواسته ها و ضرب الاجل ها بازگشت به روال روزمره - ما می توانیم شما را در مکان های آرام پیدا کنیم ما می توانیم شما را در جایی که حکمت صحبت می شود پیدا کنیم ما می توانیم شما را در جایی که قدوسیت پرورش داده می شود، پیدا کنیم ما می توانیم شما را جایی پیدا کنیم که عشق خدا مشترک است و ما شما را در سفرهایمان با خود خواهیم یافت ما شما را هنوز با ما در خانه پیدا خواهیم کرد ما شما را در درون خود قوی تر خواهیم یافت لطف تو ما را در آغوش گرفته، قلب ما مال توست.